

گونه‌شناسی روایات تفسیری امام رضا(ع)

دکتر عباس مصلائی پور یزدی
استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق(ع)
محسن دیمه کار گراب
دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد گرایش علوم قرآن و حدیث

چکیده:

به استناد بسیاری از آیات و روایات، ائمه اطهار(ع) تنها کسانی هستند که پس از خدا و پیامبر(ص)، آگاهی کامل به معارف قرآن، و مراد و مقصود آیات آن دارند. ائمه(ع)، با توجه به نیاز بشر، به تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم پرداخته‌اند. با عنایت به اهمیت و جایگاه ویژه روش‌شناسی در تفسیر قرآن کریم از یک سو، و کثرت روایات تفسیری اهل بیت(ع) از سوی دیگر، در این مقاله تنها روایات تفسیری امام رضا(ع) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. بر اساس این پژوهش، مهم‌ترین گونه‌های تفسیری روایات امام رضا(ع) عبارت است از: ذکر سبب نزول، بیان معنی مفردات، تبیین آیات از راه بیان مصداق و نیز قیده‌های توضیحی آیات، تعیین مرجع ضمیر، توجه به نوع خطاب، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن با سنت، تفسیر موضوعی، تأویل آیات متشابه، بیان بطون آیات، تبیین آیات الاحکام، ذکر جزئیات داستان‌های قرآن، استناد به آیات در روایات، بیان چرایی مطالب در آیات، توجه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی، زدودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن کریم و تبیین معارف اعتقادی و نیز ارائه برخی مباحث علوم قرآنی.

از دیگر مباحث مطرح شده در این نوشتار، بیان برخی مبانی قرآن‌شناختی و تأکید بر وجود دو رویکرد روایی و کلامی در روایات تفسیری امام رضا(ع) است.

کلیدواژه‌ها:

امام رضا(ع)، تفسیر قرآن، تأویل، روش تفسیری، روایات تفسیری، تفاسیر مأثور.

طرح مسئله

قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی و معجزه جاویدان رسول خدا(ص)، از سوی خداوند برای هدایت انسان‌ها نازل شده است. یکی از نیازهای ضروری مردم برای رشد معنوی و بهره‌وری از هدایت قرآن، فهم مراد و مقصود آیات الهی است. خداوند به منظور بهره‌وری بهتر مردم از قرآن کریم، رسول خویش را به عنوان «مُبَيِّن» این کلام معرفی کرده و فرموده است: «...وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: 44) در آیه «...وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...» (آل عمران: 7) علم به تأویل قرآن کریم را مختص خویش و راسخان در علم دانسته است. به استناد بسیاری از روایات «راسخان در علم» رسول خدا و امامان معصوم(ع) هستند. (ر.ک: کلینی، 1365 ش، ج 1، ص 213/ صفار، 1404 ق، ص 196/ طبری، 1383 ق، ص 193/ عیاشی، 1380 ق، ج 1، ص 164/ حر عاملی، 1409 ق، ج 27، ص 179) در روایات متعددی، مراد از «الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ» در آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ...» (عنکبوت: 49) را ائمه اطهار(ع) معرفی کرده‌اند (صفار، 1404 ق، 205/ کلینی، 1365 ش، ج 1، ص 214/ حر عاملی، 1409 ق، ج 27، ص 180) بر این اساس، با مراجعه به اهل بیت(ع) و روایات ایشان، علاوه بر دستیابی به تفسیر و تأویل درستی از آیات قرآن کریم، می‌توان به مبانی و روش تفسیری ایشان پی برد؛ چراکه یکی از نقش‌های اساسی اهل بیت(ع)، بیان روایات تفسیری، تعلیم اسلوب و روش فهم قرآن کریم بوده است. (معرفت، 1419 ق، ج 1، ص 468 - 469) در این نوشتار، با توجه به وسعت روایات تفسیری اهل بیت(ع)، به منظور تمرکز بیشتر در این موضوع، روایات تفسیری امام رضا(ع) (← پی‌نوشت 1) بررسی شده است. روایاتی که در این نوشتار مورد تحلیل و روش‌شناسی قرار گرفته‌اند، غالباً از منابع متقدم امامیه همچون بصائر الدرجات، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی، الکافی، آثار شیخ صدوق، تفسیر عیاشی نقل شده است. البته از وسائل الشیعه، بحار الانوار، البرهان فی تفسیر القرآن، و نورالثقلین نیز روایاتی نقل شده است. ناگفته نماند نقد و بررسی سندی این روایات در این نوشتار نمی‌گنجد و نیاز به مجال دیگری دارد.

1. مبانی قرآن‌شناختی در روایات امام رضا(ع)

تأمل در روایات تفسیری امام رضا(ع) نشان می‌دهد که مهم‌ترین مبانی قرآن‌شناختی در روایات حضرت عبارت است از:

1.1. جاودانگی قرآن

امام رضا(ع) به واسطه پدر بزرگوارش، روایتی از امام صادق(ع) نقل کرده است که مردی از ایشان پرسید: «چگونه است که هر چه قرآن بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد، بر تازگی آن افزوده می‌شود؟» حضرت فرمود: «لَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» زیرا خداوند قرآن را برای زمانی خاص و مردمی مخصوص، نازل نفرموده است. بنابراین، قرآن در هر زمان جدید و تا روز قیامت نزد هر قومی تازه است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 87/ بحرانی، 1416ق، ج 1، ص 66) از این روایت به خوبی می‌توان به جاودانگی و طراوت قرآن و شکوفاتر شدن آن در هر عصر و زمان برای همه مردم تا روز قیامت پی برد.

2.1. صیانت قرآن کریم از خطر تحریف

تحریف‌ناپذیری قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین مبانی قرآن‌شناختی است که اثبات آن نیاز به ادله قطعی دارد که شرح آن مجال دیگری می‌طلبد. امام رضا(ع) در روایتی فرموده است: «...لَا يَخْلُقُ مِنَ الْأُزْمِنَةِ وَلَا يَغِثُ عَلَى الْأَلْسِنَةِ لِأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ بَلْ جُعِلَ دَلِيلَ الْبُرْهَانِ وَحُجَّةً عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» قرآن در زمان‌ها کهنه نمی‌گردد و بر زبان‌ها ترک نمی‌شود، زیرا برای زمان خاصی نیست بلکه دلیل روشن و حجتی بر همه انسان‌هاست. کتابی که از پیش روی آن و از پشت سرش، باطل به سویش نمی‌آید وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات].» (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 130/ بحرانی، 1416ق، ج 1، ص 65) از این روایت می‌توان صیانت قرآن کریم از تحریف را استنباط کرد. (ر.ک: جوادی آملی، 1382ش، ص 24)

3.1. هدایتگری قرآن

آیات بسیاری از قرآن، بیانگر این حقیقت است که قرآن، کتاب هدایت است مانند آیات:

- «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: 2)

- «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل: 102)

- «طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ * هُدًى وَبُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ» (نمل: 2.1)

این ویژگی قرآن کریم، یکی دیگر از مبانی قرآن‌شناختی است که در روایات امام رضا(ع) نیز به آن اشاره شده است. در روایتی ریان بن صلت از آن حضرت درباره قرآن سؤال کرد. حضرت در جواب فرمود: «كَلَامُ اللَّهِ لَا تَتَجَاوَزُوهُ وَلَا تَطْلُبُوا الْهُدَى فِي غَيْرِهِ فَتَضِلُّوا» قرآن، کلام خدا است، از آن تجاوز نکنید و هدایت را در غیر آن نجوید که گمراه می‌شوید. (ابن بابویه، 1398ق، ص 224)

2. جایگاه علوم قرآنی در روایات امام رضا(ع)

تأمل در روایات تفسیری امام رضا(ع)، بیانگر این مطلب است که بخشی از روایات ایشان ناظر به مباحث علوم قرآنی است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

1.2. سبب نزول

یکی از مباحث علوم قرآنی که در حوزه تفسیر قرآن کریم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مبحث سبب نزول است. واحدی در کتاب *اسباب النزول*، دانستن این علم را به منظور تفسیر قرآن کریم لازم دانسته است؛ چرا که به گفته وی، فهم و تفسیر قرآن بدون شناخت سبب نزول آیات، امری ممتنع و غیرممکن است. (واحدی، 1411ق، ص 10) ابن دقیق نیز آگاهی از سبب نزول را، راهی بسیار قوی در فهم معانی قرآن دانسته است. بغوی و ابن تیمیه نیز بر این باورند که شناخت سبب نزول، به فهم آیات کمک می‌کند، به این دلیل که علم به سبب، به علم به مسبب می‌انجامد. (بغوی، 1420ق، ج 1، ص 13/ سیوطی، بی‌تا، ص 342) روایت ذیل از امام رضا(ع)، بیانگر جایگاه ویژه این علم می‌باشد: ابراهیم بن عباس نقل می‌کند:

«...امام رضا(ع) در هر سه روز یک مرتبه، قرآن را ختم می‌کرد و می‌فرمود: «لَوْ أَرَدْتُ أَنْ أُخْتِمَ فِي أَقْرَبَ مِنْ ثَلَاثَةِ لَحْتَمْتُ وَ لَكِنِّي مَا مَرَرْتُ بِآيَةٍ قَطُّ إِلَّا فَكَّرْتُ فِيهَا وَ فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَلْتُ وَ فِي أَيِّ وَفْتٍ فَلِدَلِكْ صِرْتُ أُخْتِمُ فِي كُلِّ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ» (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 180/ حر عاملی، 1409ق، ج 6، ص 217) اگر می‌خواستم که قرآن را در کمتر از سه روز ختم کنم، ختم می‌کردم لکن از هیچ آیه‌ای عبور نمی‌کنم مگر اینکه درباره آن و اینکه درباره چه امری نازل شده و در چه زمانی نازل شده، فکر می‌کنم، لذا قرآن را در هر سه روز ختم می‌کنم.»

نمونه‌هایی از روایات تفسیری امام رضا(ع) که ناظر به بیان سبب نزول است، در بخش گونه‌های تفسیری خواهد آمد.

2.2. علم قرأت

علم قرائت نیز یکی دیگر از علوم قرآنی است که توجه به آن در برخی از روایات امام رضا(ع) دیده می‌شود. عزیز بن مهتدی در روایتی از امام رضا(ع) پرسید: «سوره توحید را چگونه بخوانم؟» حضرت فرمود: «كما يقرؤها الناس...» (بحرانی، 1416ق، ج 5، ص 801) همان‌گونه که مردم می‌خوانند. از این روایت به خوبی می‌توان جواز قرائت متعارف در زمان اهل بیت(ع) را استنباط کرد. نویسنده‌البيان فی تفسیر القرآن نیز، درباره‌ی جواز خواندن قرائت گوناگون در نماز، پس از ذکر دو نمونه از این دسته از روایات قائل به جواز قرائت معروف در زمان معصومان(ع) است. البته اگر آن قراءات شاذ و جعلی نباشد و معصومان(ع) از آن قرائت منع نکرده باشند. (خویی، بی‌تا، ص 167) علاوه بر این، قرائتی که بیانگر معنایی غیر از مراد و مقصود الهی از آیه‌ای باشد، محکوم به بطلان است. برای نمونه، امام رضا(ع) در روایتی درباره‌ی آیه «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ...» (هود: 46) قائلان به قرائت «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» را دروغگو دانسته و فرموده است: «كَذَّبُوا هُوَ أَثْبَتَهُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَفَّاهُ عَنْهُ حِينَ خَالَفَهُ فِي دِينِهِ» (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 75/ عیاشی، 1380ق، ج 2، ص 151) همان‌گونه که مجلسی این روایت را توضیح می‌دهد این قرائت بیانگر ولد زنا بودن پسر نوح می‌باشد که امام رضا(ع) آن را نفی کرده است. همچنین وی احتمال می‌دهد که قرائت در روایت مذکور «عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» باشد که در این صورت، حضرت نیز این قرائت را نفی کرده است، زیرا امری موضوع و به دور از واقع است. (ر.ک: مجلسی، 1404ق، ج 11، ص 321)

ناگفته نماند که در برخی از روایات تفسیری امام رضا(ع)، الفاظ و یا عباراتی میان آیات قرآن کریم آمده است و حضرت در انتهای روایت فرموده است: «هكذا نزلت» این آیه این‌چنین نازل شده است مانند روایت ذیل که حضرت آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ...» را به صورت «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ...» قرائت کرده است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 126) باید توجه داشت که ذکر این‌گونه الفاظ و عبارات از قبیل اضافات برون‌متنی و اضافات تفسیری است که به منظور تبیین بهتر آیه از آن حضرت صادر شده است. (ر.ک: طباطبایی، 1417ق، ج 2، ص 105)

3.2. اطلاعات سوره‌شناسی

گاه روایات تفسیری امام رضا(ع) ناظر به اطلاعاتی درباره برخی از سوره‌ها و آیات قرآن کریم است که امروزه چنین اطلاعاتی در مباحث سوره‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. دو نمونه از چنین روایاتی از این قرار است:

1.3.2. کیفیت نزول سوره انعام

امام رضا(ع) در روایتی، کیفیت نزول سوره انعام را این چنین بیان کرده است که «نَزَلَتْ سُورَةُ الْأَنْعَامِ جُمْلَةً وَاحِدَةً شِعْرَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلِكٍ لَهُمْ رَجُلٌ بِالتَّسْبِيحِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ فَمَنْ قَرَأَهَا سَبَّحُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (قمی، 1404ق، ج 1، ص 193/ بحرانی، 1416ق، ج 2، ص 395) بر این اساس، ایشان نزول این سوره را نه به صورت نزول تدریجی بلکه به صورت نزول یکپارچه دانسته است. آگاهی از چنین اموری کمک بسیاری به فهم و تفسیر قرآن کریم می‌کند.

2.3.2. اولین و آخرین سوره در ترتیب نزول

امام رضا(ع) در روایتی به واسطه پدر بزرگوارش(ع) به نقل از امام صادق(ع)، اولین و آخرین سوره نازل شده بر رسول خدا(ص) را به ترتیب، سوره علق و سوره نصر دانسته است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 6/ بحرانی، 1416ق، ج 1، ص 69)

4.2. فضایل و خواص سوره‌ها و آیات

یکی دیگر از مباحث علوم قرآنی، ذکر فضایل و خواص سوره‌ها و آیات قرآن کریم است که در برخی از روایات امام رضا(ع) بیان شده است. نمونه روایات ذیل بیانگر این مطلب است:

1.4.2. سوره فرقان

امام رضا(ع) در روایتی به اسحاق بن عمار فرمود: «قُرْآنُ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ...¹ را ترک مکن زیرا هر که این سوره را هر شب بخواند، خداوند هرگز او را عذاب نمی‌کند و از او حسابرسی نمی‌کند و جایگاهش در فردوس اعلی خواهد بود.» (ابن بابویه، 1364ش، ص 109/ طبرسی، 1372ش، ج 7، ص 250)

2.4.2. سوره زلزال

ایشان در روایتی به نقل از پدران معصومش به نقل از رسول خدا(ع) فرمود: «هر که إِذَا زُلْزِلَتْ (سوره زلزال) را چهار مرتبه بخواند، مانند کسی است که تمام قرآن را خوانده باشد.» (نجف، 1406ق، ص 66/ ثعلبی، 1422ق، ج 10، ص 263)

3.4.2. آیه الکرسی

¹. سوره فرقان

ایشان در روایت دیگری به نقل از امیرالمؤمنین (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمود:
«هر کس آیه الکرسی را صد مرتبه بخواند، همچون کسی است که خداوند را در طول
حیاتش عبادت کرده است.» (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 65)

5.2. حروف مقطعه

حروف مقطعه نیز یکی دیگر از مباحث علوم قرآنی است. امام رضا (ع) در روایتی
فرمود: «...همانا خداوند تبارک و تعالی این قرآن را با همین حروفی که در میان جمیع
عرب متداول است، نازل کرده است.» سپس فرمود: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰی
أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ...»¹ (ابن بابویه، 1361ش، ص 44) برخی از مفسران، این روایت
را در ارتباط با حروف مقطعه دانسته‌اند. (ر.ک: مکارم شیرازی، 1374ش، ج 1، ص 64)

6.2. محکم و مشابه

یکی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی، محکم و مشابه است. یکی از راه‌های
صحیح تفسیر قرآن کریم استفاده از آیات محکم برای فهم متشابهات قرآن کریم
است؛ چنان که خود قرآن، آیاتش را بر دو قسم کرده: یکی، محکّمات که اصل و
مادرند و دیگری، متشابهات «...مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ...»
(آل عمران: 7)، مفهوم ام‌الکتاب و اصل بودن «هنّ أمّ الکتاب» مرجعیت محکّمات برای
متشابهات را روشن می‌سازد. این اصل از یک طرف به ما می‌فهماند که اولاً قرآن با
قرآن قابل تفسیر است. ثانیاً به نوعی استقلال فهم قرآن را برای ما بیان می‌کند که اگر
جایی از قرآن (مانند متشابهات) برای انسان قابل فهم نبود، در جای دیگر باید به سراغ
آن رفت.

علامه طباطبایی پس از بیان روایاتی درباره تفسیر متشابهات می‌نویسد: «از روایات
همان مطلبی را که ما بیان کردیم، یعنی ارجاع متشابهات به محکّمات استفاده می‌شود و
تشابه در متشابهات قابل رفع است؛ چراکه محکّمات می‌توانند متشابهات را تفسیر
کنند.» (طباطبایی، 1417ق، ج 3، ص 68)

امام رضا (ع) در روایتی، لزوم ارجاع آیات مشابه به آیات محکم قرآن کریم را
چنین بیان کرده است: «هر کس آیات مشابه قرآن را به آیات محکم آن برگرداند، به
راه راست هدایت شده است. همانا در اخبار ما مانند متشابه قرآن، مشابه و نیز مانند
محکم قرآن، محکم وجود دارد. پس مشابه آن را به محکم آن برگردانید و از مشابه

¹. اسراء: 88

آن پیروی نکنید که گمراه می شوید.» (ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 290/ حویزی، 1415ق، ج 1، ص 318)

برای نمونه، دو روایت از تفسیر امام رضا(ع) از آیاتی که مبنی بر ارجاع آیات مشابه به آیات محکم‌اند، را بیان می‌کنیم:

الف- ایشان در تفسیر آیه «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» (ص: 75) فرمود: «یعنی به قدرتی و قوتی.» (ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 120)

ب- در تفسیر آیه «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (قیامه: 22-23) نیز فرمود: «یعنی مشرفه تنتظر ثواب ربها.» (ابن بابویه، 1398ق، ص 116/ طبرسی، 1403ق، ج 2، ص 409)

3. روایات تفسیری امام رضا(ع) در سویه‌های مختلف

تأمل در روایات تفسیری امام رضا(ع)، بیانگر این مطلب است که سویه‌های مختلف اعم از اخلاقی، اعتقادی، فقهی و... در روایات تفسیری ایشان دیده می‌شود. از این میان، سویه‌های زیر برجسته‌تر است:

3.1. سویه روایی

اگرچه امام رضا(ع) به مراد و مقصود آیات قرآن کریم احاطه کامل داشته و خود به عنوان یکی از منابع متقن تفسیر قرآن کریم است، لکن گاه در تفسیر آیات قرآن کریم، برخی از روایات تفسیری امامان پیش از خویش را ذکر کرده است. این امر می‌تواند بیانگر نکات قابل توجهی باشد:

الف- ذکر چنین روایاتی از ائمه(ع) موجب احیا و ترویج مکتب تفسیری اهل بیت(ع) شده و از این طریق، تفسیر درستی از آیات قرآن به مردم عرضه می‌شود.

ب- مردم با آگاهی از چنین روایاتی به علم و فهم عمیق اهل بیت(ع) پی برده و به منظور بهره‌وری از علوم آنان به روایات ایشان روی می‌آورند.

ج- در عصر امام رضا(ع) که دوران غربت امامیه و رواج فرقه‌های منحرف شیعه مانند فطحیه، اسماعیلیه، واقفیه و امثال اینها بوده، شنیدن روایات ائمه گذشته، از ابوالحسن الرضا(ع) موجب روی آوردن اهل این فرقه‌ها به امام رضا(ع) و پذیرفتن مکتب امامیه می‌شد.

3.2. سویه کلامی در تفسیر قرآن

امام رضا(ع) در دورانی زندگی می کرد که عصر شکوفایی تمدن اسلامی بود و ترجمه کتب یونانیان، رومیان و جز این دو بسیار انجام می شد. از طرف دیگر، تشکیک در اصول و عقاید از ناحیه ملحدان و نصاری و قائلان به تجسیم از اهل حدیث نیز امری شایع بود. بر این اساس، در آن دوران فرصت مناظره با دانشمندان مذاهب مختلف برای آن حضرت مهیا شد. (سبحانی، بی تا، ص 147) در واقع دوران امام رضا(ع)، دوران شیوع مناظره ها و احتجاج ها بین زعمای ادیان، مذاهب اسلامی و غیر اسلامی بوده است که در بسیاری از مباحث کلامی به ویژه در مباحث اصول دین، بین آن ها جدال و نزاع علمی به شدت اتفاق می افتاده است. (قرشی، 1372ش، ص 101) اگرچه در کتب تاریخی همچون *الکامل فی التاریخ ابن اثیر*، *تاریخ الاسلام ذهبی و البدایه و النهایه ابن کثیر*، این مناظره ها گزارش نشده است، لکن در جوامع روایی شیعه، گزارش هایی از احتجاج ها و مناظره های آن امام با متکلمان و دانشمندان ادیان گوناگون ثبت شده است (برای نمونه، ر.ک: ابن بابویه، 1398ق، ص 417 باب ذکر مجلس الرضا علی بن موسی(ع) مع اهل الادیان و اصحاب المقالات مثل الجاثلیق و رأس الجالوت و رؤساء الصابئین و الهربذ الاکبر و ما کلم به عمران الصابی فی التوحید عند المأمون/ ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 154، 179 و 191 باب ذکر مجلس الرضا(ع) مع اهل الادیان و اصحاب المقالات فی التوحید عند المأمون، باب فی ذکر مجلس الرضا(ع) مع سلیمان المروری متکلم خراسان عند المأمون فی التوحید و باب ذکر مجلس آخر للرضا(ع) عند المأمون مع اهل الملل و المقالات و ما أجاب به علی بن محمد بن الجهم فی عصمة الانبیاء، و طبرسی، 1403ق، ج 2، ص 415 ذیل احتجاج الرضا(ع) علی اهل الکتاب و المجوس و رئیس الصابئین و غیرهم)

بر این اساس مناظره ها و سؤال های کلامی مسلمانان و غیر مسلمانان از یک سو و نیاز جدی به دفاع از دین و تبلیغ قرآن در آن دوران حساس از سویی دیگر، سبب می شد که آن حضرت در پاسخ به سؤال های کلامی به آیات قرآن کریم بسیار استناد و استدلال نماید. لذا رویکرد تفسیر کلامی در برخی از روایات امام رضا(ع) به خوبی دیده می شود. برخی از مباحث کلامی مطرح شده در آن دوران از این قرار است:

الف- امامت و ولایت

مراد از این سویه آن است که امام رضا(ع) با توجه به ضرورت تبیین ولایت، امامت و لزوم تبیین جایگاه معصومان(ع) به منظور هدایت مردم در تفسیر برخی از آیات، توجه مخاطبان را به بعد ولایی آیات جلب کرده است. تأمل در روایات تفسیری امام رضا(ع)، بیانگر این حقیقت است که ایشان به منظور تحقق این هدف از طریق تأویل

برخی از آیات و یا از طریق بیان لایه‌های باطنی قرآن کریم به مسئله امامت، ولایت و جایگاه معصومان (ع) و در برخی از موارد به ذکر منکران، دشمنان و منحرفان از امامت معصومان (ع) و جایگاه آن‌ها پرداخته است. نمونه‌هایی از روایات تفسیری امام رضا (ع) که ناظر به این رویکرد می‌باشد، در دو بخش تبیین آیات از راه بیان مصادیق و بیان بطون آیات خواهد آمد.

ب- عدم امکان توصیف و رؤیت خدا

ابوهاشم جعفری در روایتی از امام رضا (ع) درباره «امکان توصیف خداوند» سؤال کرده که حضرت در پاسخ به آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ» (انعام: 103) استناد کرده و در ادامه فرموده است: «إِنَّ أَوْهَامَ الْقُلُوبِ أَكْبَرُ مِنْ أَبْصَارِ الْعُيُونِ فَهُوَ لَا تُدْرِكُهُ الْأَوْهَامُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَوْهَامَ» (کلینی، 1365 ش، ج 1، ص 99/ ابن بابویه، 1398 ق، ص 112)

ج- علم خداوند به اشیا پیش از خلقت

حسین بن بشار در روایتی درباره «علم خداوند به اشیا قبل از خلقت» از آن حضرت سؤال کرده که ایشان در پاسخ به این سؤال به آیات «هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه: 29)، «بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (انعام: 28) و «...قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: 30) که دلالت بر علم الهی به اشیا پیش از خلقت داشته، استناد کرده است. (ابن بابویه، 1378 ق، ج 1، ص 118)

د- دفاع از عصمت انبیا (ع)

یکی از شبهات و سؤال‌های مطرح شده در آن دوران، شبهه پیرامون آیاتی است که در ظاهر به عدم عصمت برخی از انبیای الهی اشعار دارد. بر این اساس، امام رضا (ع) به منظور دفاع از عصمت انبیا، به تفسیر این آیات پرداخته است. مانند روایت علی بن محمد بن جهم از ایشان در مجلس مأمون درباره عصمت انبیا (ع) (ابن بابویه، 1378 ق، ج 1، ص 196) که در سطور آینده به بخشی از این روایت اشاره می‌کنیم.

امام رضا(ع) در روایتی به منظور رد نظر قائلان به جبر، به آیه «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ...» (نساء: 79) استناد کرده است. (حمیری، بی تا، ص 155/ کلینی، 1365 ش، ج 1، ص 160/ ابن بابویه، 1398 ق، ص 338)

و- مسئله تکلیف ما لایطاق

امام رضا(ع) در پاسخ به سؤالی پیرامون «تکلیف ما لایطاق» به استناد آیه «...وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (فصلت: 46) این امر را مردود دانسته است. (ابن بابویه، 1378 ق، ج 1، ص 124/ طبرسی، 1403 ق، ج 2، ص 413)

4. گونه‌های روایات تفسیری

پژوهش‌های روش‌شناسی در روایات تفسیری امام رضا(ع)، کاشف از این مطلب است که مهم‌ترین شاخص‌های روش تفسیری از منظر ایشان که در این نوشتار از آن به گونه‌شناسی روایات تفسیری تعبیر می‌شود، از این قرار است:

1.4. ذکر سبب نزول

ذکر سبب نزول در روایات تفسیری امام رضا(ع) از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. ذیلاً به برخی موارد اشاره می‌کنیم:

الف- امام رضا(ع) به منظور رفع ابهام و تبیین بهتر آیه 99 سوره یونس، روایتی از آبای طاهرین خود از امیرالمؤمنین(ع) نقل کرده است که برخی از مسلمانان به رسول خدا(ص) گفتند که ایشان مردم را به اکراه دعوت به اسلام نماید که تعداد یاوران آن حضرت بیشتر شود و بر دشمنان پیروز شوند، اما رسول خدا(ص) پیشنهاد آن‌ها را نپذیرفت و در این هنگام این آیه بر آن حضرت نازل شد: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ* وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...» (یونس: 99-100) و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آن‌ها یکسر ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند؟ و هیچ کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد... (طبرسی، 1403 ق، ج 2، ص 413) بر این اساس، امام رضا(ع) با بیان سبب نزول این آیه، توهم موجود درباره رسول خدا(ص) در ظاهر این آیه را مبنی بر مکره ساختن مردم به دین اسلام برطرف کرده است.

ب- امام رضا(ع) در روایت دیگری به منظور تبیین بهتر آیات «وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى* إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَى* فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى* وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى* فَسَنُيَسِّرُهُ

لَيْسُرى» (لیل: 3-6) سبب نزول این آیات را بیان کرده است. (ر.ک: حمیری، بی تا، ص 156)

2.4. ذکر معنی مفردات آیات

بی تردید یکی از لوازم تفسیر قرآن کریم، فهم مفردات آیات آن می باشد. اهمیت این علم به اندازه ای است که راغب اصفهانی فهم معانی مفردات آیات را از نیازهای اولیه برای طالبان فهم قرآن کریم دانسته است. (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 54) برخی نیز استفاده از حقایق، معارف، احکام و آداب قرآن کریم را مبنی بر فهم دقیق و صحیح مفردات آیات آن دانسته اند. (مصطفوی، 1360ش، ج 1، ص 5) تأمل در روایات تفسیری امام رضا (ع)، بیانگر این مطلب است که یکی از امور مورد توجه آن حضرت در تفسیر آیات قرآن کریم، ذکر معنی مفردات آیات بوده است که ایشان به شیوه های مختلف به این مهم پرداخته است. در اینجا به برخی از این موارد اشاره می کنیم:

1.2.4. تعیین مفردات به استناد آیات

امام رضا (ع) در روایتی معنی «ختم» در آیه 7 سوره بقره را به استناد آیه «...بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء: 155) «طبع بر قلوب کفار» بیان کرده است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 123) همچنین معنی «قواماً» در آیه 67 سوره فرقان را به استناد آیات «...عَلَى الْمَوْسَى قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (بقره: 236) و «...وَلَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِتْمَانًا مَا آتَاهَا...» (طلاق: 7) بیان کرده است. (کلینی، 1365ش، ج 4، ص 54/ حر عاملی، 1409ق، ج 21، ص 556)

2.2.4. بیان وجه تسمیه

امام رضا (ع) در برخی از روایات به منظور تبیین برخی از مفردات آیات، وجه تسمیه آن ها را بیان کرده است. برای نمونه، ایشان در روایتی وجه تسمیه «اولوالعزم» را در آیه 35 سوره احقاف (ر.ک: ابن بابویه، بی تا، ج 1، ص 122) در روایت دیگری، وجه تسمیه «أُمِّيَّ» (ر.ک: مجلسی، 1404ق، ج 16، ص 133) و در روایت دیگری وجه تسمیه «بلیس» را بیان کرده است. (ر.ک: ابن بابویه، 1361ش، ص 138)

3.2.4. بیان مراد از مفردات

امام رضا(ع) در برخی از روایات، مراد از مفردات آیات را بیان کرده است. مانند روایتی که ایشان «رَهْبَانِيَّةً» در آیه «...و رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ...» (حدید: 27) را نماز شب دانسته است. (طوسی، 1365 ش، ج 2، ص 120) در روایت دیگری، مراد از «لُكَلِمِ الطَّيِّبُ» در «...إِنِّيهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...» (فاطر: 10) را قول «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَوَلِيُّ اللَّهِ وَخَلِيفَتُهُ حَقًّا وَخُلَفَاؤُهُ خُلَفَاءُ اللَّهِ» دانسته است. (حسینی، 1409 ق، ص 469)

3.4. تبیین آیات از راه بیان مصداق

یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام رضا(ع)، تبیین آیات از راه بیان مصداق می‌باشد. ذکر دو نمونه از این روایات ضروری به نظر می‌رسد:

الف- مصادیق کبائر

امام رضا(ع) در روایتی به منظور تفسیر آیه «إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ...» (نساء: 31) مصادیق کبائر (گناهان کبیره) را عبادت بت‌ها، شرب خمر، قتل نفس، عقوق والدین، قذف المحصنات، فرار از نبرد و خوردن مال یتیم ذکر کرده است. (عیاشی، 1380 ق، ج 1، ص 238)

ب- مصادیق میسر

امام رضا(ع) در روایت دیگری «شطنج»، «نرد»، «اربعه عشر» و هر آنچه با آن قمار شود را از مصادیق «میسر» (مائده: 89) دانسته است. (کلینی، 1365 ش، ج 6، ص 435/عیاشی، 1380 ق، ج 1، ص 339)

تأمل بیشتر در روایات تفسیری امام رضا(ع)، گویای این مطلب است که برخی از مطالب تفسیری ایشان که ناظر به بیان مصادیق آیات می‌باشد، متناسب با مقتضیات و شرایط سیاسی، اجتماعی، مذهبی آن روز جامعه اسلامی بیان شده است. در واقع چنین شرایطی، تأثیر قابل توجهی در رویکرد تفسیری امام رضا(ع) در بیان مصادیق آیات قرآن داشته است. برای نشان دادن این مدعا به چند نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم:

الف- امام رضا(ع) در روایتی در تفسیر آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید: 11) فرموده است: «صَلَّةُ الْأَمَامِ فِي دَوْلَةِ الْفَسَقَةِ.» (کلینی، 1365 ش، ج 8، ص 302)

بیان این مصداق از آیه مذکور به خوبی سلطه حاکمان فاسق، نیاز به تأمین مالی و لزوم ارتباط مردم با امام معصوم (ع) را در آن زمان نشان می‌دهد، درحالی که ظاهر این آیه، بیانگر این مطلب نیست.

ب- امام رضا (ع) در روایتی درباره آیه «مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ...» (نساء: 143) فرموده است: «(این آیه) درباره واقفیه نازل شده است. (کشی، 1348 ش، ص 462)

در روایت دیگری نیز، نزول آیه «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ...» (مائده: 64) را درباره واقفیه دانسته است. چرا که آن‌ها گفتند امامی بعد از موسی بن جعفر (ع) نیست که خداوند به آن‌ها پاسخ داد «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ» و مراد از «ید» در باطن قرآن کریم، «امام» است (کشی، 1348 ش، ص 457) در حالی که فرقه «واقفیه» پس از شهادت امام کاظم (ع) به وجود آمده و این آیه بیش از 150 سال پیش از صدور این روایت درباره یهود نازل شده است. بر این اساس، در این روایت به خوبی دیده می‌شود که بیان این مصداق از آیه مذکور به منظور رد فرقه واقفیه بوده که در آن دوران در حال گسترش بوده است.

ج- امام رضا (ع) در روایتی در تفسیر «...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...» (حجرات: 13) فرموده است: «أَشَدُّكُمْ تَقِيَّةً» (برقی، 1371 ق، ج 1، ص 258/ حرعاملی، 1409 ق، ج 16، ص 212)

بیان «تقیه» به عنوان مصداقی از این آیه، بیانگر شرایط زمانی آن امام است که در آن دوران حساس «تقیه» برای شیعیان امری ضروری بوده است. بر این اساس، تأثیر مستقیم شرایط سیاسی، اجتماعی و مذهبی در آن زمان، در رویکرد تفسیری امام رضا (ع) به خوبی نمایان است.

4.4. تبیین آیات از راه بیان قیدهای توضیحی

یکی دیگر از شیوه‌های تفسیر قرآن کریم که در روایات تفسیری امام رضا (ع) دیده می‌شود، تبیین آیات از طریق بیان قیدهای توضیحی اعم از جار و مجرور، قید و یا علت برخی از افعال و عبارات موجود در آیات و توضیحاتی از این قبیل است. بی‌تردید، ذکر چنین مواردی نقش بسیار مهمی در فهم بهتر آیات و دفع توهم موجود در برخی از آیات قرآن کریم دارد.

دو نمونه نیز از روایات تفسیری امام رضا (ع) بیانگر این مدعا است:

الف- امام رضا(ع) در پاسخ به سؤالی درباره آیه «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ...» (انعام: 125) که در ظاهر به جبر اشعار داشته، به منظور دفع این توهم، قیدهایی در ضمن این آیه بیان کرده که این قیدها از این قرار است: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ (بایمانۀ فی الدنیا الی جنته و دار کرامته فی الآخرة) يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ (للتسليم لله و الثقة به و السكون إلى ما وعده من ثوابه حتى يطمئن اليه) وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ (عن جنته و دار کرامته فی الآخرة) لِكُفْرِهِ وَ عَصِيَانِهِ لَه فِي الدنیا) يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا (حتى يشك في كفره و يضطرب من اعتقاد قلبه حتى يصير) كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ.» بر این اساس، ایشان هدایت الهی را به دلیل ایمان در انسان و اضلال وی را به دلیل کفر و عصیان وی در دنیا دانسته است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 131)

ب- امام رضا(ع) در روایتی به منظور دفع توهم ضلالت حضرت موسی(ع) و دفاع از عصمت وی درباره آیه «قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ» (شعرا: 20) که حضرت موسی به صراحت اقرار کرده که از گمراهان بوده است، «ضالین» را مقید به قید «عن الطريق بوقوعی الی مدینة من مدائنک» دانسته است، به این معنا که حضرت موسی(ع) از گمراهان نبوده است بلکه راه را گم کرده و به صورت اتفاقی وارد یکی از محله‌های شهر شده و در آنجا ماجرای قتل آن قبلی رخ داده است. همچنین درباره آیه «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» فرموده است: «ألم يجدك وحيدا فأوى اليك الناس» و درباره آیه «وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى»، «ضالًّا» را مقید به «عند قومك» دانسته و درباره «فَهَدَى» فرموده است: «أى هديهم الی معرفتك» و درباره آیه «وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» فرموده است: «أغناك بأن جعل دعاءك مستجابا.» (حویزی، 1415ق، ج 4، ص 48) بر این اساس، آن حضرت با بیان قیدهایی مذکور، به تبیین این آیات پرداخته و از عصمت انبیا دفاع کرده است.

ناگفته نماند ذکر چنین مواردی در میان الفاظ و عبارات آیات قرآن کریم، از قبیل توضیحات برون‌متنی است و هرگونه تصویری مبنی بر جزء آیه و کلام الهی دانستن این موارد، ناشی از بی‌دقتی و سطحی‌نگری است و با ادله متقن صیانت قرآن از خطر تحریف وجود هر نوع شائبه‌ای در این باره مردود خواهد بود.

5.4. تعیین مرجع ضمیر

تعیین صحیح مرجع ضمیر نیز از دیگر عواملی است که موجب فهم صحیح از آیات قرآن می‌شود و تشخیص نادرست در این امر به فهم نادرستی از آیات قرآن می‌انجامد. مانند آیه «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ» (یوسف: 110) که مأمون عباسی گمان کرده که قید «اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ»، «من الرسل» بوده و ضمیر او در «ظَنُّوا» و هم در «أَنَّهُمْ» به «الرُّسُلُ» برمی‌گردد. وی بر اساس این خوانش از آیه مبارکه، در عصمت و یقین رسولان الهی تردید کرده است. لکن امام رضا(ع) با ذکر قید صحیح برای «اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ» و تعیین مرجع ضمیر، این توهم را مردود دانسته است. ایشان در تفسیر این آیه، قید «اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ» را «من قومهم» دانسته و مرجع ضمیر او در «ظَنُّوا» را «قوم» و مرجع ضمیر هم در «أَنَّهُمْ» و او در «كُذِّبُوا» را، «الرُّسُلُ» دانسته و این آیه را به صورت «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ مِنْ قَوْمِهِمْ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمُ النُّصْرَةُ» تلاوت کرده است. (بحرانی، 1416ق، ج 3، ص 217)

6.4. توجه به نوع خطاب

تعیین نوع خطاب در آیات، یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام رضا(ع) است که بی‌توجهی به این امر در برخی از آیات قرآن کریم، موجب تردید در عصمت پیامبر اکرم (ص) می‌شود مانند آیات «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَبْتَ لَهُمْ...» (توبه: 43)، «وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (زمر: 65) و «وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَئَا لَقَدْ كِدْتُمْ تَرَكُنَّ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا» (اسراء: 74) امام رضا(ع) به منظور دفاع از عصمت رسول خدا(ص) نوع خطاب در این آیات را از نوع «ایاک» أَعْنَى و اسمعی یا جاره» دانسته است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 202/ بحرانی، 1416ق، ج 2، ص 778/ جزائری، 1404ق، ص 18) ابن عباس در روایتی به وجود این نوع از خطاب در قرآن اشاره کرده است. (علم‌الهدی، بی‌تا، ص 119/ فخرالدین رازی، 1406ق، ص 112)

امام صادق(ع) نیز در روایتی فرموده است: «نزل القرآن بآیاک أَعْنَى و اسمعی یا جارة.» (کلینی، 1365ش، ج 2، ص 631/ عیاشی، 1380ق، ج 1، ص 10) محمد صالح مازندرانی درباره این نوع از خطاب ذیل روایت مذکور می‌نویسد: «برخی از آیات قرآن و یا خود قرآن به نحو تعریض نازل شده است. به عبارت دیگر، مراد از آن، متوجه کردن خطاب به مخاطب است، درحالی که مراد از خطاب شخص دیگری است که او شایسته خطاب می‌باشد.» (مازندرانی، بی‌تا، ج 11، ص 81)

شیخ طوسی نیز پس از نقل این روایت می‌نویسد: «بر این اساس خطاب متوجه پیامبر (ص) بوده، لکن مراد از خطاب، امت ایشان می‌باشد.» (طوسی، بی‌تا، ج 10، ص 28)

7.4. تفسیر قرآن به قرآن

بی‌تردید متقن‌ترین منبع برای تفسیر قرآن کریم، خود قرآن است چرا که امیرالمؤمنین (ع) درباره قرآن فرمود: «وَيَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ» (سیدرضی، بی‌تا، ص 192) تأمل در آیات قرآن کریم، نشان می‌دهد که برخی از مطالب در برخی از آیات به صورت مبهم و مجمل آمده، در حالی که همان مطالب در آیات دیگری به صورت مفصل و مبین بیان شده است. علاوه بر این، قرآن خود را «تَبَيَّنَاتًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: 89) معرفی کرده است. سخن معروف «القرآن يفسر بعضه بعضا» نیز ناظر به روش تفسیری قرآن به قرآن است. (معرفت، 1419ق، ج 2، ص 22)

روش تفسیر قرآن به قرآن در روایات تفسیری امام رضا (ع) دیده می‌شود که در اینجا به ذکر دو نمونه از این روایات اکتفا می‌کنیم:

الف- امام رضا (ع) درباره آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (انبیاء: 7) به منظور اثبات این مطلب که مراد از «أَهْلَ الذِّكْرِ»، ائمه اطهار (ع) می‌باشد، از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرده است. آن حضرت با استناد به آیات «...قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ...» (طلاق: 11-10) که در این آیات از رسول خدا (ص) به عنوان ذکر تعبیر شده است، خویش را از زمره «أَهْلَ الذِّكْرِ» معرفی کرده است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 239)

ب- ایشان در روایت دیگری، آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْاُنثَيَيْنِ...» (نساء: 11) را به کمک آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...» (همان: 34) تفسیر کرده است. (قطب‌راوندی، 1405ق، ج 2، ص 359/ حرعاملی، 1409ق، ج 26، ص 95)

8.4. تفسیر قرآن به سنت

یکی از بهترین و ضروری‌ترین راه‌های شناخت قرآن، تفسیر آن به سنت معصومان (ع) است. در واقع سنت معصومان (ع)، یکی از منابع علم تفسیر و اصول بررسی و تحقیق برای دستیابی به معارف قرآنی است. عترت طاهرین (ع) بر اساس حدیث متواتر ثقلین، همتای قرآن بوده که تمسک به یکی از آن دو، بدون دیگری،

مساوی با ترک هر دو ثقل است، از این رو برای دستیابی به دین کامل، اعتصام به هر کدام باید همراه با تمسک به دیگری باشد. (جوادی آملی، 1379ش، ج 1، ص 132)

امام رضا (ع) اگرچه خود یکی از اهل بیت (ع) است و روایات تفسیری ایشان یکی از منابع متقن برای تفسیر قرآن کریم به شمار می آید، علاوه بر بیان مطالب تفسیری خویش، برخی از روایات آبا و اجداد طاهرنش را در تفسیر آیات قرآن نقل کرده است. برخی از این روایات از این قرار است:

الف- امام رضا (ع) به منظور تفسیر سوره حمد، روایتی از آباء طاهرنش از امیرالمؤمنین (ع) در تفسیر این سوره نقل کرده است. (التفسیر المنسوب الی الامام العسکری (ع)، 1409ق، ص 30)

ب- آن حضرت به منظور تفسیر آیه «فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ...» (سبأ: 14) روایتی را به واسطه پدر و جد خویش از امام باقر (ع) درباره این آیه نقل کرده است. (قمی، 1404ق، ج 2، ص 38)

ج- ایشان به منظور تفسیر آیه «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ...» (نمل: 19) روایتی را به واسطه پدر بزرگوارش (ع) از امام صادق (ع) نقل کرده است. (ابن بابویه، بی تا، ج 1، ص 172/ جزائری، 1404ق، ص 368)

د - ایشان به منظور تفسیر آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر: 8) روایتی از امام صادق (ع) نقل کرده است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 128)

9.4. تفسیر موضوعی قرآن کریم

تفسیر موضوعی، یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام رضا (ع) است. ایشان در پاسخ به سؤال دانشمندان خراسان و عراق در مجلس مأمون، به منظور اثبات این مطلب که مراد خداوند از «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» در آیه «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ...» (فاطر: 32) عترت پیامبر (ص) بوده، می فرماید: «خداوند علاوه بر بطون آیات، اصطفاء را در دوازده مورد از آیات قرآن تفسیر کرده است. در ادامه به تفسیر این موضوع در موارد مذکور پرداخته و به ترتیب دلالت آن آیات را درباره اهل بیت (ع) به روشنی بیان کرده است. (ابن شعبه حرانی، 1404ق، 425/ طبری، 1383ق، 228)

10.4. تأویل آیات

تأویل از ماده اول، به معنی برگردانیدن به اصل است. به عبارت دیگر، مراد از تأویل، ارجاع دادن کلمات و مفاهیم آن‌ها به مقاصدی که از جانب گوینده اراده شده، می‌باشد. (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 99/ مصطفوی، 1380ش، ج 1، ص 19) قرآن کریم علم به تأویل را مختص به خدا و راسخان در علم دانسته است: «...وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...» (آل عمران: 7) در بسیاری از روایات، «راسخان در علم»، ائمه اطهار (ع) معرفی شده‌اند. (صفار، 1404ق، ص 203/ قمی، 1404ق، ج 2، ص 451/ کلینی، 1365ش، ج 1، ص 415/ ابن شهر آشوب، 1379ق، ج 4، ص 421)

تأویل آیات متشابه، نمونه‌ای از تأویل در روایات تفسیری امام رضا (ع) به شمار می‌آید. برای نمونه، امام رضا (ع) به منظور تأویل آیه «كَلَّمَا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَخْجُوبُونَ» (مطففین: 15) کلمه «ثواب» را پیش از «رَبِّهِمْ» در تقدیر گرفته و در آیه «وَ جَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (فجر: 22) «امر» را پیش از «رَبُّكَ» و در آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ...» (نقره: 210) «بالملائکه» را پس از «اللَّهُ» در تقدیر گرفته است. بر این اساس، توهم جسمانیت خداوند سبحان از این آیات دفع می‌شود. (ابن بابویه، 1361ش، ص 13) نویسنده مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، پس از ذکر این روایت در تفسیرش می‌نویسد: «در احادیث سخنی بهتر از حدیث امام رضا (ع) در تأویل این آیه که از آیات متشابه است، صادر نشده است. (موسوی سبزواری، 1409ق، ج 3، ص 253)

11.4. بیان بطون آیات

قرآن علاوه بر معانی ظاهری، معانی باطنی نیز دارد که از آن به «بطون قرآن» تعبیر می‌شود. (مکارم شیرازی، 1374ش، ج 4، ص 323) امام باقر (ع) در روایتی فرموده است: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنَ وَ لِبَطْنِ بَطْنَ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ لِلظَّهْرِ ظَهْرٌ» (برقی، 1371ق، ج 2، ص 300) لکن پی بردن به بطون آیات جز برای پیامبر و امامان معصوم (ع) ممکن نیست و هیچکس حق ندارد چیزی به عنوان باطن آیه از پیش خود مطرح کند. (مکارم شیرازی، 1374ش، ج 24، ص 360)

تأمل و دقت در روایات تفسیری امام رضا (ع) نشان می‌دهد که ایشان همچون دیگر معصومان (ع) در برخی از روایات به بیان بطون برخی از آیات قرآن کریم پرداخته است. در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از این روایات اکتفا می‌کنیم:

الف- امام رضا(ع) درباره آیه «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ...» (زمر: 56) فرموده است: «مراد از جَنْبِ اللَّهِ، امیرالمؤمنین(ع) و اوصیای پس از او می باشد.» (صفار، 1404ق، ص 62)

ب- ایشان در روایت دیگری درباره آیه «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (نحل: 16) فرموده است: «علامات، ما(اهل بیت) هستیم و مراد از نجم، رسول خدا(ص) است. (حسینی، 1409ق، ص 257)

ج- ایشان در روایت دیگری درباره آیه «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات: 24) مورد سؤال را، ولایت حضرت علی(ع) دانسته است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 59)

د- امام رضا(ع) در روایتی درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...» (نساء: 58) مراد از امانت را امامت و اهل امانت را امامان از آل محمد(ع) دانسته است. (عیاشی، 1380ق، ج 1، ص 249/ حسینی، 1409ق، ص 140)

با تأمل در این روایات و روایاتی از این قبیل که بیانگر بطون برخی از آیات قرآن کریم می باشد، به نظر می رسد که غرض اصلی امام رضا(ع) از بیان بطون آیات، توجه دادن مردم به مسئله ولایت و امامت معصومان(ع) و تبیین شأن و منزلت رفیع ایشان بوده است.

12.4. تبیین آیات الاحکام

امام رضا(ع) نیز مانند دیگر معصومان(ع) در برخی از روایات به تبیین آیات الاحکام پرداخته است. در اینجا به ذکر دو نمونه از این روایات اکتفا می کنیم:

الف- امام رضا(ع) در روایتی به محمد بن ابی نصر بزنطی، پیرامون آیه 49 سوره طور در تفسیر «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ» فرموده است: «چهار رکعت پس از مغرب» و در تفسیر «وَإِدْبَارَ النُّجُومِ» فرموده است: «دو رکعت پیش از نماز صبح.» (مجلسی، 1404ق، ج 84، ص 88)

ب- ایشان در روایت دیگری به منظور تبیین آیه «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَنَّهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَ لِيُطَوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: 29) به شرح واژه «تفث» پرداخته است که مراد از آن را «تقلیم الاظفار و طرح الوسخ و طرح الاحرام عنه» دانسته است. (کلینی، 1365ش، ج 4، ص 504/ ابن بابویه، 1413ق، ج 2، ص 485)

امام رضا(ع) به منظور تبیین بهتر برخی از آیات الاحکام به علت تشریح برخی از احکام اشاره کرده است. مانند نامه‌ای از ایشان به محمد بن سنان که حضرت در آن به علت تحریم محرّماتی همچون قتل نفس، عقوق والدین، زنا، کذف محصنات، خوردن

مال یتیم، فرار از میدان نبرد، تعرب پس از هجرت و ربا اشاره کرده است. (ر.ک: ابن بابویه، 1413ق، ج 3، ص 565)

13.4. ذکر جزئیات داستان‌های قرآن کریم

قرآن کریم در بیان داستان‌ها بنا ندارد که به ذکر همه جزئیات آن پردازد. قرآن اصلاً کتاب تاریخ نیست و منظورش از نقل داستان‌های خود، مانند کتب تاریخ و بیان تاریخ و سرگذشت قصه‌سرایی نیست، بلکه کلامی است الهی که در قالب وحی ریخته شده و منظور آن، هدایت خلق به سوی رضوان خدا و راه‌های سلامت است، و به همین جهت است که هیچ قصه‌ای را با تمام جزئیات آن نقل نکرده، و از هر داستان، نکاتی چند که مایه عبرت، تأمل، دقت و یا آموزنده حکمت و موعظه‌ای است و یا سودی دیگر از این قبیل دارد، نقل کرده است. (طباطبایی، 1417ق، ج 2، ص 308 و ج 13، ص 291)، لکن آگاهی از جزئیات داستان‌های قرآن کریم کمک بسیاری در فهم بهتر آیات آن می‌کند. یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام رضا (ع) درباره قصص قرآن، ذکر برخی از جزئیات آن می‌باشد. برای نمونه برخی از این روایات از این قرار است:

الف- امام رضا (ع) در روایتی ذیل آیات 60 تا 82 از سوره کهف، به تفصیل به ذکر جزئیات داستان موسی و خضر (ع) پرداخته است. (قمی، 1404ق، ج 2، ص 38)

ب- امام رضا (ع) در روایت دیگری به منظور تبیین آیه «وَآتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ» (اعراف: 175) به بیان جزئیات داستان بلعم بن باعورا پرداخته است. (قمی، 1404ق، ج 1، ص 249)

ج- ایشان درباره آیه «وَ شَرَوْهُ بِنَمَنٍ يَخُسُّ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَ كَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ» (یوسف: 20) در روایت ابن ابی نصر بزنطی، امام رضا (ع) تعداد درهم‌ها را بیست درهم ذکر کرده است. (قطب راوندی، 1409ق، ص 129)

ناگفته نماند بیان برخی از جزئیات داستان‌های قرآن کریم در اسرئیلیات نیز آمده است، با این تفاوت که این روایات بسیار ضعیف و وهن‌آمیز، غالباً از مصادر اهل کتاب (به‌ویژه از مصادر یهودی) از ناحیه افرادی همچون عبدالله بن سلام، کعب الاحبار، وهب بن منبه، تمیم بن اوس داری و امثال این‌ها به منظور ضربه زدن به اسلام جعل شده و به تدریج در کتب تفسیری و حدیثی نفوذ کرده است. (ذهبی، 1405ق، ص 19-20)

14.4. استناد به آیات در روایات

استناد به آیات قرآن کریم پس از بیان برخی از مطالب در روایات گوناگون، یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام رضا(ع) در تبیین آیات قرآن کریم است. این امر علاوه بر اینکه سبب تأیید و صحیح دانستن آن مطالب می‌گردد، به نوبه خود نوعی تفسیر قرآن شمرده می‌شود؛ چراکه برخی از پیام‌ها از آن آیات به مخاطبان منتقل می‌شود که موجب فهم بهتر آن آیات می‌شود. دو نمونه زیر از این روایات، شاهد این مدعا است:

الف- امام رضا(ع) در روایتی مؤمن حقیقی را دارای سه خصلت از سنت خدا، پیامبر و ولی او دانسته است (کتمان سر، مدارا با مردم و صبر در سختی‌ها) و به منظور بیان این سه خصلت به سه آیه «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ...» (جن: 26-27)، «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف: 199) و «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ...» (بقره: 177) استناد کرده است. (ابن بابویه، 1403ق، ج 1، ص 82/ طبرسی، 1385ق، ص 85)

ب- ایشان در روایت دیگری فرموده است: «تزدیک‌ترین حالی که بنده نسبت به خداوند دارد، حالتی است که در سجده است و این سخن خداوند است که فرمود:... وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ¹» (کلینی، 1365ش، ج 3، ص 265/ ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 7)

15.4. بیان چرایی مطالب در برخی از آیات

گونه دیگری از روایات تفسیری امام رضا(ع)، بیان چرایی برخی از مطالب در آیات قرآن کریم است. این امر به نوعی در راستای بیان ظرایف قرآن کریم قرار می‌گیرد. ذکر دو نمونه از چنین روایاتی بیانگر این مطلب است:

الف- امام رضا(ع) در تفسیر آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...» (هود: 7) علاوه بر ذکر برخی از توضیحات، علت سه مطلب را در این آیه بیان کرده است: ابتدا علت قرار دادن عرش الهی بر روی آب را بیان کرده، سپس به بیان علت خلقت آسمان‌ها و زمین در شش روز پرداخته است، و در انتها، یکی از علل خلقت انسان را امتحان دانسته است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 135/ طبرسی، 1403ق، ج 2، ص 412)

ب- در روایت دیگری از امام رضا(ع) درباره علت غرق شدن فرعون در لحظاتی که به خدا ایمان آورده و به توحید اقرار کرده، سؤال شده است که حضرت در پاسخ به این سؤال به استناد دو آیه «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا...» (غافر: 84-85) و «...يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا

¹. علق: 19

يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا...» (انعام، 158) ایمان آوردن فرعون در آن لحظات را بی‌فایده دانسته است. سپس علت دیگری برای این امر ذکر می‌کند که فرعون در هنگام غرق شدن به موسی (ع) استغاثه کرده، اما به خداوند استغاثه نکرده است، در حالی که اگر به خدا استغاثه می‌کرد، او را نجات می‌داد. (ابن بابویه، بی‌تا، ج 1، ص 59/ حرعاملی، 1409ق، ج 16، ص 90)

16.4. توجه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی

بی‌تردید یکی از شئون اساسی امامت، تربیت و هدایت مردم به راه راست می‌باشد. اهمیت این امر به اندازه‌ای است که امام رضا (ع) همچون دیگر امامان معصوم (ع) در تفسیر قرآن کریم به اهداف تربیتی و هدایتی، عنایت ویژه‌ای داشته است. روایات ذیل بیانگر این مدعاست:

الف- امام رضا (ع) در روایتی فرمود: «وحشتناک‌ترین حالتی که آدمی دارد، سه موقع است: روزی که متولد می‌شود و از شکم مادر بیرون می‌آید و دنیا را می‌بیند؛ روزی که می‌میرد و آخرت و اهل آن را می‌بیند، و روزی که مبعوث می‌شود و احکامی را مشاهده می‌کند که در سرای دنیا ندیده است. و به درستی که خداوند عزوجل در این سه موقع بر یحیی (ع) سلام فرستاده است و ترس او را ایمنی بخشیده است و فرمود: «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»¹ عیسی بن مریم (ع) نیز در این سه موقع بر خویش سلام کرده است، فرمود: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أُمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا»² (ابن بابویه، 1378ق، ج 1، ص 257/ مجلسی، 1404ق، ج 6، ص 158)

ب- ایشان در روایتی، مسئله‌عرضه اعمال امت بر خویش را بیان کرده است. بی‌تردید توجه دادن مردم به این امر در راستای تربیت و هدایت آنهاست. عبدالله بن ابان گوید: «به امام رضا (ع) عرض کردم: برای من و خانواده‌ام دعا کنید. حضرت فرمود: مگر من دعا نمی‌کنم! به خدا سوگند همانا اعمال شما هر روز و شب بر من عرضه می‌شود، و عبدالله بن ابان از این سخن تعجب کرد. حضرت فرمود: آیا کتاب خدا را نخوانده‌ای که می‌فرماید: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»³ (صفار، 1404ق، ص 429/ مجلسی، 1404ق، ج 23، ص 347)

¹. مریم: 15

². همان: 33

³. توبه: 105

17.4. زدودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن

یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام رضا(ع) زدودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به برخی از آیات قرآن کریم است. در اینجا به ذکر دو نمونه از روایات تفسیری امام رضا(ع) اشاره می‌کنیم:

الف- ابراهیم بن عباس گوید: «در مجلس امام رضا(ع) بودیم و درباره گناهان کبیره و نظر معتزله مبنی بر بخشیده نشدن گناهان کبیره صحبت می‌کردیم که حضرت به نقل از امام صادق(ع) فرمود: به درستی که قرآن بر خلاف نظر معتزله نازل شده است. خداوند جل جلاله می‌فرماید: «...وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ...»¹ (ابن بابویه، 1398ق، ص 406/ بحرانی، 1416ق، ج 3، ص 226) بر این اساس، امام رضا(ع) با استناد به آیه مذکور بطلان نظر معتزله را بیان کرده است.

ب- امام رضا(ع) در روایتی به صراحت قرائت «إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ» در آیه «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ...» (هود: 46) را نفی کرده و قائلان به قرائت «إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ» را دروغگو دانسته است. (ابن بابویه، 1378ق، ج 2، ص 75/ عیاشی، 1380ق، ج 2، ص 151) این روایت نمونه دیگری از زدودن شبهه و تصحیح کج فهمی نسبت به قرآن کریم به شمار می‌آید که در بخش قرائت به آن اشاره شده است. (ر.ک: 2.2. قرائت)

18-4. تبیین معارف اعتقادی

یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام رضا(ع) تبیین معارف اعتقادی است که حضرت از طریق تفسیر برخی از آیات قرآن کریم به این مهم پرداخته است. دو نمونه از این روایات از این قرار است:

الف- مسئله بداء

امام رضا(ع) در روایتی به سلیمان مروزی که از منکران بداء بود، به منظور رفع استبعاد درباره بداء و اثبات آن به آیات متعددی از قرآن کریم، مانند آیات «أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَمْ يَكُ شَيْئًا» (مریم: 67)، «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ...» (روم: 27)، «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (نقره: 117)، «...يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ...» (فاطر: 1)، «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده: 7)، «وَ آخَرُونَ مُرْجُونَ لَأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَ إِمَّا يُتَوَّبُ عَلَيْهِمْ...» (توبه: 106) و «...وَ مَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَ لَا يُنْقَضُ مِنْ عُمرِهِ إِلَّا فِي

¹. رعد: 6

کتاب...» (فاطر: 11) استناد کرده است. (ابن بابویه، 1398ق، ص 443/مجلسی، 1404ق، ج 4، ص 95)

ب- لزوم تلقی دین از امام معصوم

ایشان در روایتی در تفسیر آیه «...وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ...» (قصص: 50) یکی از معارف اعتقادی دین را که همان لزوم پیروی از امامان معصوم (ع) و تلقی دین از آن‌ها و نهی از پیروی از آرای شخصی به عنوان دین است، را بیان کرده است. ایشان در تفسیر این آیه فرموده است: «يَعْنِي مَنْ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ بِغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى.» (صفار، 1404ق، ص 13/کلینی، 1365ش، ج 1، ص 374)

نتیجه‌گیری

1. شرایط فکری و مباحث علمی در هر زمانی می‌تواند تأثیر بسیاری در رویکرد مفسران در تفسیر قرآن کریم داشته باشد. تأثیر دوران امام رضا (ع) که دوران شیوع مناظرات علمی و کلامی بین ادیان گوناگون و طرح شبهات و سؤال‌های کلامی بوده است، بر رویکرد کلامی امام رضا (ع) در تفسیر قرآن به خوبی نمایان است.

2. امام رضا (ع) گاه در تفسیر قرآن کریم، برخی از روایات تفسیری امامان گذشته را بیان کرده است که این امر علاوه بر آشنا کردن مردم با علم اهل بیت (ع)، ترویج مکتب تفسیری ایشان و ارائه تفسیر صحیحی از آیات قرآن کریم، موجب روی آوردن فرقه‌های منحرف شیعه به امام رضا (ع) می‌شد.

3. تأمل در روایات تفسیری امام رضا (ع) نشان می‌دهد روایات ایشان شامل برخی از مبانی قرآن‌شناختی همچون جاودانگی قرآن، صیانت قرآن کریم از خطر تحریف، هدایتگری قرآن و شامل برخی از مباحث علوم قرآنی همچون سبب نزول، قرائت، سوره‌شناسی، فضائل و خواص سوره‌ها و آیات، حروف مقطعه و محکم و متشابه است.

4. گونه‌های تفسیری امام رضا (ع) عبارت است از ذکر اسباب نزول، بیان معنی مفردات، تبیین آیات از راه بیان مصداق و قیده‌های توضیحی آیات، تعیین مرجع ضمیر، توجه به نوع خطاب، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن با سنت، تفسیر موضوعی، تأویل آیات متشابه، بیان بطون آیات، تبیین آیات الاحکام، ذکر جزئیات داستان‌های قرآن، استناد به آیات در روایات، بیان چرایی مطالب در آیات، توجه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی، زدودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن کریم و تبیین معارف اعتقادی.

5. برخی از روایات تفسیری امام رضا(ع) که ناظر به بیان مصادیق برخی از آیات قرآن کریم است، متناسب با شرایط اجتماعی، سیاسی و نیازهای جامعه اسلامی در آن دوران صادر شده است.

منابع

1. قرآن کریم؛ ترجمه محمد مهدی فولادوند؛ تحقیق هیئت علمی دارالقرآن الکریم، تهران: دارالقرآن الکریم، 1415ق.
2. الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام؛ صحیفه الرضا؛ به کوشش محمد مهدی نجف: انتشارات کنگره جهانی امام رضا(ع)، 1406ق.
3. ابن بابویه قمی، ابو جعفر محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ التوحید؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1398ق.
4. _____؛ ثواب الاعمال؛ قم: انتشارات شریف رضی، 1364ش.
5. _____؛ الخصال؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1403ق.
6. _____؛ علل الشرائع؛ قم: انتشارات مکتبه الداوری، بی تا.
7. _____؛ عیون اخبار الرضا(ع)؛ بی جا: انتشارات جهان، 1378ق.
8. _____؛ معانی الاخبار؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1361ش.
9. _____؛ من لا یحضره الفقیه؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1413ق.
10. ابن شعبه حرانی حلبی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین؛ تحف العقول؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1404ق.
11. ابن شهر آشوب مازندرانی، حافظ ابو جعفر (ابو عبدالله) محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب(ع)؛ قم: مؤسسه انتشارات علامه، 1379ق.
12. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثة، تهران: بنیاد بعثت، 1416ق.
13. برقی، احمد بن محمد بن خالد؛ المحاسن؛ قم: دار الکتب الاسلامیه، 1371ق.
14. بغوی، حسین بن مسعود؛ معالم التنزیل فی تفسیر القرآن؛ به کوشش عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1420ق.
15. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری(ع)؛ قم: انتشارات مدرسه امام مهدی(عج)، 1409ق.
16. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1422ق.
17. جزائری، سید نعمت الله؛ قصص الانبیاء(ع)؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404ق.
18. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ قم: مرکز نشر اسراء، 1379ش.
19. _____؛ قرآن حکیم از منظر امام رضا(ع)؛ به کوشش زینب کربلایی، قم: مرکز نشر اسراء، 1382ش.

20. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی؛ تفصیل وسائل الشیعة الى تحصيل مسائل الشریعة؛ قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، 1409ق.
21. حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین؛ تأویل الآيات الظاهرة؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1409ق.
22. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر؛ قرب الاسناد؛ تهران: انتشارات کتابخانه نینوی، بی تا.
23. حویزی، عبد علی بن الجمعه العروسی؛ تفسیر نور الثقلین؛ به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، 1415ق.
24. خویی، سید ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن؛ بی جا: بی نا، بی تا.
25. ذهبی، محمد حسین؛ الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث؛ دمشق: دار الایمان، 1405ق.
26. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ به کوشش صفوان عدنان داودی، دمشق- بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، 1412ق.
27. سبحانی، جعفر؛ الائمة الاثنی عشر(ع)؛ بی جا: بی نا، بی تا.
28. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن؛ ذخیره المعاد فی شرح ارشاد الازهان؛ بی جا: بی نا، بی تا.
29. سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین بن موسی؛ نهج البلاغه؛ قم: انتشارات دار الهجره، بی تا.
30. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404ق.
31. _____؛ لباب النقول فی اسباب النزول؛ بیروت: دار احیاء العلوم، بی تا.
32. صفار، محمد بن حسن بن فروخ؛ بصائر الدرجات؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، 1404ق.
33. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین، 1417ق.
34. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن؛ مشکاة الانوار؛ نجف: کتابخانه حیدریه، 1385ق.
35. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی؛ الاحتجاج؛ مشهد: نشر مرتضی، 1403ق.
36. طبرسی، رضی‌الدین، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق؛ قم: انتشارات شریف رضی، 1412ق.
37. طبرسی، فضل بن حسن [امین الاسلام]؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ به کوشش محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، 1372ش.
38. طبری، ابوجعفر، عمادالدین محمد بن ابی القاسم؛ بشارة المصطفی لشیعة المرتضی؛ نجف: چاپ کتابخانه حیدریه، 1383ق.

39. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ به کوشش احمد قصیر عاملی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
40. _____؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1365 ش.
41. علم الهدی، ابو القاسم، علی بن حسین بن موسی [سید مرتضی]؛ تنزیه الانبیاء و الائمه علیهم السلام؛ قم: انتشارات شریف رضی، بی تا.
42. عیاشی، ابوالنضر محمد بن مسعود بن محمد؛ تفسیر العیاشی؛ به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، 1380 ق.
43. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر؛ عصمة الانبیاء؛ قم: مطبعة الشهيد منشورات الکتبی النجفی، 1406 ق.
44. _____؛ مفاتیح الغیب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1420 ق.
45. قرشی، باقر شریف؛ حیاة الامام الرضا(ع)؛ قم: انتشارات سعید بن جبیر، 1372 ش.
46. قطب راوندی، سعید بن هبة الله؛ فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام؛ قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، 1405 ق.
47. _____؛ قصص الانبیاء(ع)؛ مشهد: چاپ بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1409 ق.
48. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم؛ تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی [تفسیر القمی]؛ قم: مؤسسه دارالکتاب، 1404 ق.
49. کشی، محمد بن عمر؛ رجال الکشی؛ مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، 1348 ش.
50. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1365 ش.
51. مازندرانی، مولی محمد صالح؛ شرح اصول الکافی با تعلیقات میرزا ابوالحسن شعرانی؛ به کوشش سید علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
52. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار(ع)؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404 ق.
53. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360 ش.
54. _____؛ تفسیر روشن؛ تهران: مرکز نشر کتاب، 1380 ش.
55. معرفت، محمد هادی؛ التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1419 ق.
56. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1374 ش.
57. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسه اهل بیت(ع)، 1409 ق.

58. واحدي، علي بن احمد؛ اسباب نزول القرآن؛ به كوشش كمال بسيوني زغلول، بيروت: دار
الكتب العلميه، 1411ق.